

ماهیت‌شناسی تهدید نرم با رویکرد انتظامی

عبدالله هندیانی^۱، ابراهیم داودی دهاقانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: تهدید نرم از مقوله‌هایی است که میزان شناخت و عمق درک نهادهای انتظامی و امنیتی از چیستی و ماهیت آن، میزان موفقیت آنها را در اجرای مطلوب مأموریتها و وظایفشان، تا حد زیادی متأثر می‌کند؛ بنابراین تحقیق حاضر باهدف شناخت چیستی و ماهیت تهدید نرم با رویکرد انتظامی و با نگاهی به ارتقای امنیت عمومی انجام شده است.

روش: روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر داده‌ها، کیفی از نوع تحلیل محتوا و از نظر اهداف، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر استادان صاحب‌نظر در حوزه امنیت ملی و انتظامی هستند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از میان آنها، ده نفر انتخاب شدند و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق استفاده شد. داده‌های تحقیق متکی به نقل قولهای پرسش‌شوندگان است.

یافته‌ها و نتایج: در پاسخ به سؤالات تحقیق، ابعاد اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، سطوح راهبردی، میانی و تاکتیکی، مؤلفه‌های هویت ملی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی، آمادگی ملی، اندیشه‌های حاکم، آداب و رسوم، سبک زندگی، نگرش به حاکمیت، منش و رفتار اجتماعی و هشت راهکار پیشگیری و مقابله به‌دست آمدند. نتیجه اینکه آمادگی پلیس برای پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم، نیازمند پیش‌بینی و شناسایی شرایط وقوع این تهدیدات، ایجاد فضای مشترک ذهنی بین متصدیان در سایر نهادها و اعلام هشدار به آنها و در نتیجه تلاش برای ایجاد هماهنگی به‌منظور اقدام مؤثر است.

واژه‌های کلیدی

تهدید نرم، رویکرد انتظامی، ابعاد و مؤلفه‌ها، راهکارهای مقابله و پیشگیری، امنیت عمومی

^۱ دانشیار امنیت دانشگاه علوم انتظامی امین

^۲ مربی دانشگاه علوم انتظامی امین Email: davoodi57@chmail.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

به دلیل گسترش بهره‌گیری از رویکردهای نرم‌افزارانه، ماهیت مفاهیمی چون قدرت، تهدید و امنیت در حال دگرگونی است. شاید توانمندی برتر نظامی و اقتصادی دیگر نتواند به تنهایی در مقابله با تهدیدات نرم، کارآمد باشد. در حال حاضر همه کشورهای به نوعی در معرض انواع تهدید نرم هستند. قدرتهای استکباری، تشکیلات، امکانات و نیروی انسانی و ابزارهای پیشرفته و پیچیده و مراکز علمی و پژوهشی خود را به صورت گسترده در اختیار این جنگ قرار داده‌اند. با ظهور فناوریهای جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. بخش قابل توجهی از نظریه‌های جدید امنیتی و راهبردهای قدرتهای سلطه‌گر، بر کاربرد قدرت نرم برای امنیت‌سازی تأکید دارد و بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدیدهای قرن ۲۱ را تهدیدهای نرم یا جهانی‌سازی فرهنگ می‌دانند.

یکی از حوزه‌های تأثیر تهدید نرم، حوزه‌های مربوط به امنیت عمومی است که به دلیل ماهیت گسترده و فراگیر آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. بی‌تردید تضعیف و خنثی‌سازی آثار تهدید نرم در حوزه‌های اجتماعی در ارتقای امنیت عمومی کشور، به‌عنوان وظیفه نیروی انتظامی و به‌دنبال آن ارتقای امنیت ملی نقش مؤثری خواهد داشت. شناخت چیستی و ماهیت این نوع تهدیدات، قطعاً توانمندی نیروی انتظامی را در حراست از امنیت عمومی افزایش خواهد داد. این تحقیق به‌دنبال درک ماهیت این نوع تهدیدات با رویکرد انتظامی است تا با توجه به نتایج تحقیق، به پلیس در جهت کاهش آثار تهدید نرم و ارتقای امنیت عمومی کمک کند. هدف اصلی تحقیق حاضر، شناسایی ماهیت تهدید نرم با رویکرد انتظامی با نگاهی به ارتقای امنیت عمومی است. این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤالهای اساسی است که ماهیت تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی چیست؟ و تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی از چه ابعاد، سطوح و مؤلفه‌هایی برخوردارند؟

پیشینه و مبانی نظری

تهدید نرم برخلاف قدرت نرم، بیش از آنکه مفهومی وارداتی باشد، بر اساس ضرورت‌های کشورمان و بیشتر در ادبیات راهبردی آن ساخته و پرداخته شده است. در این زمینه کتاب «تهدید نرم، رویکردی اسلامی» (افتخاری، ۱۳۹۱) اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع موجود است. مؤلف در این کتاب با رویکردی انتقادی به نظریات رایج به ارائه نظریه اسلامی از تهدید نرم پرداخته است. کتاب تهدید نرم و راهبردهای مقابله (گروه مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸) منبع مهم دیگری است که به بررسی تهدید نرم و شیوه‌های اعمال آن، شاخصها و ابعاد آن در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و جایگاه آن در نظریه‌های دفاعی و امنیتی پرداخته است.

افتخاری (۱۳۸۵) در کتاب کالبدشکافی تهدید، به صورت عمیق به تهدیدات و از آن جمله تهدیدات نرم و کیفیت سیر آن از مرحله اجتماعی به امنیتی پرداخته است. متون موجود درباره تهدید نرم بر خلاف قدرت نرم، از نظر علمی، فقر بیشتری دارد؛ به طوری که علاوه بر داشتن نقایص مربوط به متون قدرت نرم، حتی در ارائه تعریف از این واژه، هنوز مرز مشخصی بین تهدید نرم و سایر واژگان نرم‌افزاری وجود ندارد.

جهان‌بین و امامی (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان «سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم»، سرمایه اجتماعی را حلقه اتصال سه مؤلفه قدرت، امنیت و تهدید در گفتمان نرم‌افزاری دانسته‌اند و الگوی ارتباطی بین سه مؤلفه یادشده را ارائه کرده‌اند. نگارندگان با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی به مثابه منبع مشترک هر سه مفهوم، با شاخص‌سازی مناسب برای سرمایه اجتماعی، نوعی ارتباط نرم بین این واژگان برقرار کرده‌اند. از آنجا که سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در حوزه انتظامی و تأمین امنیت است، در این تحقیق مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. هندیانی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آثار تهدیدهای نرم (با نگاهی به فرماندهی و مدیریت آینده پلیس)» به این یافته رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی می‌تواند اثر

تهدیدات نرم را کاهش دهد و با عنایت به اشتراک یا هم‌سویی مؤلفه‌ها با رویکرد اجتماعی پلیس، زمینه پیاده‌سازی آنها را برای مدیریت آینده پلیس فراهم کند. همچنین آنها نتیجه‌گیری کرده‌اند که برای کاهش اثر تهدیدات نرم بر سرمایه اجتماعی باید نسبت به تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی همچون هنجارهای اعتمادساز، مشارکت جو، هویت‌بخش، ارزش مدار و مبتنی بر روابط اقدام شود تا ضمن برخوردارشدن جامعه از آثار مثبت سرمایه اجتماعی، پیاده‌سازی رویکردهای جدید پلیس از پشتوانه‌ای قوی‌تر برخوردار شود.

عزتی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان «شاخص‌سازی تبعیض اقتصادی به‌عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در ایران» تلاش کرده‌اند برای تبعیض اقتصادی شاخص‌سازی کرده و شاخصهای مذکور را برای استانهای مختلف اندازه‌گیری کنند. نگارندگان بیان کرده‌اند که اگرچه در حوزه تهدیدات سخت و نیمه‌سخت اقتصادی، به‌دلیل مشخص بودن این رویارویی، مردم ایران در مواجهه با مشکلات پیش رو همواره با مسئولان نظام همراه و همدل بوده‌اند و یکپارچگی نظام و مردم، مانع از ناکارآمد نشان دادن نظام در صحنه بین‌المللی بوده است، آنچه نگران‌کننده است، اجرای سیاستها و برنامه‌هایی در داخل است که زمینه شکل‌گیری تهدید نرم را در حوزه‌های اقتصادی فراهم می‌سازد.

جمالزاده و هراتی (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان «قدرت نرم انقلاب اسلامی در مقابل تهدید نرم» با این فرضیه که در صورت برخورداری یک ساختار سیاسی از قدرت نرم مناسب، امکان تقابل با هر دو شیوه سخت و نرم مشکل خواهد بود، چنین استدلال می‌کنند که وجوه قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پادزهری در مقابل تهدید نرم عمل کرده و موجب رفع تهدید و تبدیل آن به فرصت شده است. از یافته‌های کاربردی پژوهش یادشده این است که تقویت شاخصهای قدرت نرم در انقلاب اسلامی، اولویت بیشتری از تقویت قدرت سخت به‌منظور تداوم اعتلای انقلاب اسلامی خواهد داشت.

کرمی و شهلائی (۱۳۹۱) در مطالعه خود با عنوان «راهبردهای مقابله با تهدید نرم دشمن در حوزه اجتماعی و فرهنگی» بیان کرده‌اند که تهدیدهای نرم دشمن در حوزه اجتماعی -

فرهنگی درصدد کاهش احساس تعلق مردم به نظام، کم‌اثر کردن مؤلفه‌های دینی و ملی تشکیل‌دهنده هویت ملی، برجسته کردن مسائل قومی، نژادی و مذهبی، کاهش اعتماد مردم به نظام، ایجاد شکاف بین مردم و مسئولان، بی‌اعتماد کردن مردم به رسانه‌های خودی و تعمیق شکافهای نسلی و نشان‌دادن و بزرگ‌نمایی تبعیض بین قومیتها و مذاهب است. در تحقیق یادشده به ابعاد و مظاهر تهدیدهای نرم آمریکا در حوزه اجتماعی- فرهنگی و راهبردهای مقابله با آن پرداخته شده است.

تهدید: امنیت ملی یک کشور، وضعیت و فضایی است که یک ملت در چارچوب آن می‌تواند اهداف و منافع ملی و حیاتی خود را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی حفظ کند. امنیت ملی یا ارزشهای حیاتی یک کشور دارای سه محور کلی است: تمامیت ارضی، ایده و الگوهای رفتاری و حاکمیت سیاسی. پس منظور از تهدید، عنصر یا وضعیتی است که ارزشهای حیاتی سه‌گانه یاد شده را به خطر اندازد. بنابراین می‌توان گفت، ساده‌ترین تعریف از تهدید، فقدان مفهوم دیگر، یعنی امنیت است؛ این وضعیت با به خطر افتادن ارزشها و منافع حیاتی یک کشور به وجود می‌آید. امنیت ملی و تهدیدهای آن، مفهوم مبهم، نسبی و توسعه‌نیافته است به این معنی که تعریف از امنیت ملی و تهدیدهای آن به پیش‌فرضهای تعریف‌کننده بستگی دارد و به عبارتی زمان‌مند و مکان‌مند است؛ در حقیقت رابطه بین امنیت، ملت و تهدیدها رابطه‌ای قراردادی است که مصداق خود را از درون گفتمانهای گوناگون می‌جوید، با وجود این، بر ویژگیهای زیر می‌توان تأکید کرد:

الف) اعتباری بودن: مفهوم تهدید و امنیت دارای حد و مرز اعتباری است و از حیث واژه شناسی نمی‌توان فقط به یک واژه تهدید که مترادف با فقدان امنیت تعریف شده، بسنده کرد. از نگاه امنیتی موضوعات را می‌توان در سه فضای کلی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی تقسیم کرد. پدیده‌ها را می‌توان از نظر زمانی و مکانی و با توجه به حساسیتهای اجتماعی نسبت به آن، میزان شیوع و فراگیری و توان مدیریت آن پدیده، از پدیده‌های ساده تا بحران امنیتی تقسیم کرد.

ب) نسبی بودن: امنیت و تهدید، مفاهیمی نسبی و تابع زمان و مکان هستند. هیچ کشوری نمی‌تواند به امنیت مطلق دست یابد یا هیچ‌گونه قدرت ملی در برابر تهدیدها نداشته باشد، چون کشورها براساس افزایش قدرت ملی خود، به دنبال رقابت، کاهش تهدیدها و افزایش امنیت ملی هستند. نتیجه این رقابت، ناامنی برای دیگران است.

پ) ذهنی بودن: تهدید از زمان شکل‌گیری تا تأثیرگذاری آن مراحل دارد که ممکن است این مراحل طولانی یا کوتاه باشد، تهدید ابتدا فرایندی ذهنی است که در فرایند زمانی به وقوع می‌پیوندد. باید انگیزه‌ها و بسترهای تهدید شناسایی شود که معمولاً با برآورد تهدیدها، سناریوهایی برای مقابله با آن، توسط کشورها طراحی می‌شود؛ برآورد شناخت نیت و اهداف دشمن، ابزار و روشها، آسیبها و فرصتها و... فرایندهای ذهنی است که براساس آن سیاست دفاعی کشورها تدوین می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳).

ب) تهدید نرم: تهدید نرم به روحیه انسانها به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده ملت را از بین می‌برد و مقاومت و دفاع از آرمان و سیاستهای نظام را تضعیف می‌کند. فروپاشی روانی یک ملت می‌تواند مقدمه‌ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای^۱ قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، چهره دوم قدرت است (جوزف نای، ۲۰۰۴: ۵).

تهدید نرم عموماً در مقابل تهدید سخت قرار می‌گیرد و واژه نرم موصوف تغییرات مهمی است که در عناصر اصلی تهدید به جای می‌گذارد که در گذر زمان ایجاد شده است. به‌طور مثال در تهدید نرم، ابزار تهدید از سخت به نرم تغییر می‌یابد و نیز عنصر هدف و قلمرو تهدید از سخت به نرم جابه‌جا می‌شود. به عبارت دیگر تغییر و تحول در ماهیت هدف، ماهیت و جنس تهدید را تعیین کرده و آن را به دو دسته تهدید نرم یا سخت تبدیل می‌کند (ذوالفقاری و عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۲). در تهدید نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقتاعی

1 - Joseph. Nye

است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویتهای خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک کند. به عبارتی تهدید در هر بُعد و شکل یک هدف اساسی را دنبال می‌کند و آن عبارت است از «تحمیل اراده بر حریف و انجام رفتار مطلوب و مورد نظر تهدید کننده». یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق الگوپردازی است و بخش دیگر آن را باورسازی و مسخ الگوهای رایج تشکیل می‌دهد (گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). رهبر معظم انقلاب تهدید نرم را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه زنجیره‌ای به هم پیوسته از رسانه‌های گوناگون، اینترنت، ماهواره، تلویزیون، رادیو و... که در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سررشته تحولات جوامع را در دست بگیرند. اینها صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها هستند و بیشتر هم در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند»^۱.

در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روشهای نرم‌افزارانه اشغال می‌کند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). تهدید نرم هر گونه اقدام غیرخشونت آمیزی است که ارزشها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد (حسن بیگی و عصاریان، ۱۳۸۸). در مجموع و با یک رویکرد انتظامی می‌توان تهدید نرم را به این شرح تعریف کرد «تهدید نرم تلاش عمدی و برنامه‌ریزی شده‌ای است که یک دولت به منظور ایجاد یا بهره‌گیری از نارضایتی‌های داخلی و چالشهای اجتماعی کشور حریف جهت دستیابی به اهداف و منافع مورد رقابت دنبال می‌کند» (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۱).

ابعاد تهدید نرم

تهدید نرم در حوزه سیاسی: اگر تهدید نرم مترادف با تهدیدات سیاسی- فرهنگی در نظر گرفته شود، شاخصهایی در دو حوزه فرهنگی و سیاسی به عنوان ابعاد تهدید نرم مطرح

^۱ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشگاهیان سمنان ۸۵/۸/۱۸

می‌شود (کامرانیان، ۱۳۸۷). دولتها به‌مثابه واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شناخته می‌شوند. این واحدها همواره با بحرانهایی از داخل و خارج مواجه هستند. اگر کشوری گرفتار بحرانهایی سیاسی باشد، از قدرت نرم برخوردار نخواهد بود و به‌طور طبیعی تهدید نرم در این حوزه مؤثر خواهد بود. بحرانهایی سیاسی شامل بحرانهایی پنج‌گانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت هستند. برانگیختن شکافهای قومی، نژادی، مذهبی و... نبود عوامل پیونددهنده هویت ملی، تحریف و تحقیر تاریخ و افتخارات ملی در کشور، می‌تواند به بحران هویت منجر شود. ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های رهبران و شکل‌گیری نافرمانیهای مدنی در جامعه، بحران مشروعیت به وجود می‌آورد. انگیزه‌زدایی و دل‌سرد کردن مردم برای حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، مصادیق بارز بحران مشارکت است. همچنین توزیع نامناسب ثروت، شأن اجتماعی و امنیت در ایجاد بحران توزیع مؤثر است. تلاش برای تأثیرگذاری بر اراده و تصمیمات نخبگان و رهبران با ارباب و تطمیع از مصادیق بحران نفوذ به‌شمار می‌آید. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به‌طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند (حسن‌بیگی و عصاریان، ۱۳۸۸).

تهدید نرم در حوزه فرهنگی - اجتماعی: فرهنگ بیانگر شخصیت و هویت ملی کشور و دستاورد معرفتی و فنی انسان و همه جوامع است. فرهنگ ملی کشور دارای سه سطح کلی است:

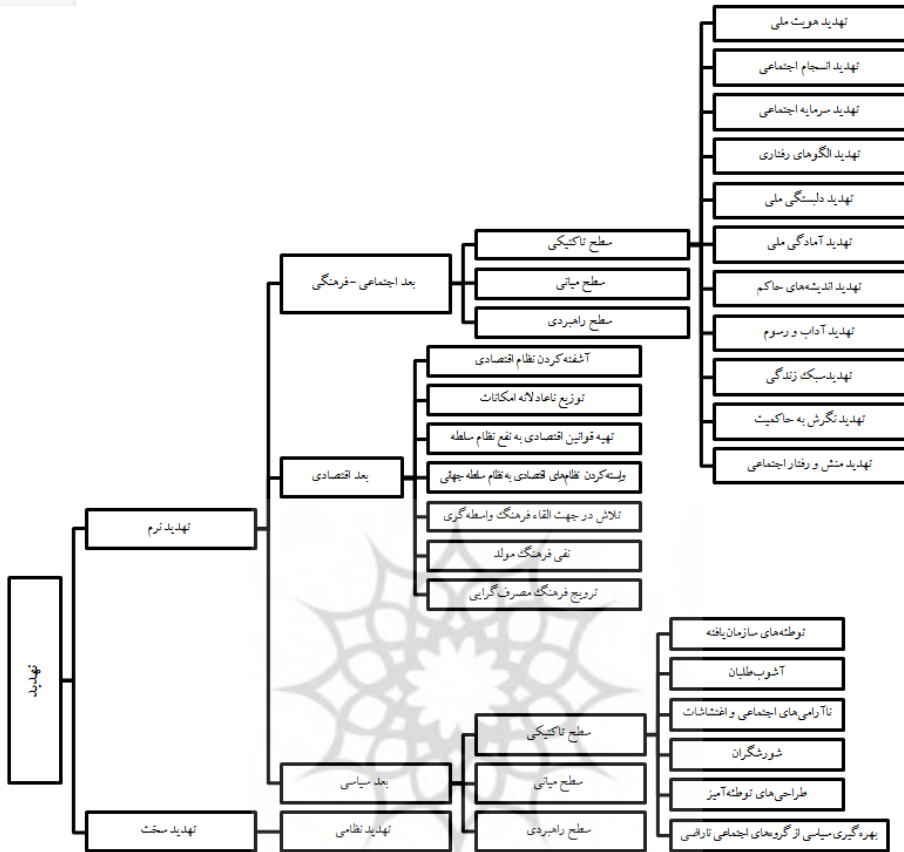
سطح اول: باورها شامل مفروضات اساسی و زیرساختهای فکری هر کشور (تغییر باورها)؛
سطح دوم: مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها و ارزشها (تغییر اندیشه و احساس)؛
سطح سوم: الگوهای رفتاری یک کشور (تغییر رفتار و ساختار) (حسن‌بیگی و عصاریان، ۱۳۸۸).

در مجموع می‌توان گفت که تهدید نرم به‌دنبال استحاله فرهنگی و هویتی است که در آن

موجودیت فیزیکی مخاطب حفظ ولی از نظر هویتی تبدیل به یکی از ابزارهای دشمن می‌شود. بر این اساس فرایند و سطوح تهدید نرم در چهار محور تغییر باورها، افکار، رفتار و ساختار قابل بررسی است (عامری، ۱۳۹۰: ۳۹).

روش

با توجه به نبودن موضوع تحقیق در حوزه انتظامی و ناکافی بودن منابع نظری موجود در زمینه شاخصهای تهدید نرم در این حوزه، نیاز است تا به سؤالات تحقیق از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران پاسخ داده شود. بنابراین تحقیق حاضر به روش کیفی و از نوع «تحلیل محتوا» انجام شد و داده‌های آن با «مصاحبه عمیق» به دست آمد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش صاحب‌نظران مرتبط با این حوزه و دارای سابقه خدمت در نیروی انتظامی هستند. معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه با اشباع‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد. با توجه به الزام‌های نمونه‌گیری در پژوهش کیفی، از نمونه‌گیری هدفمند که نمونه‌گیری غیراحتمالی، هدفدار یا کیفی نیز نامیده می‌شود برای انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهش، استفاده شد و کلیه افراد دارای اطلاعات غنی و تجارب دسته اول که سابقه خدمت در نیروی انتظامی را داشتند در پژوهش مشارکت داده شدند. نمونه‌گیری براساس اصول تحقیق کیفی تا دستیابی به «اشباع داده‌ها» که معیار آن تکراری شدن اطلاعات دریافتی است ادامه یافت. در نهایت با ده نفر از صاحب‌نظران این حوزه مصاحبه شد. به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، متن حاصل از مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد. واحدهای معنی‌دار آنها مشخص و خلاصه‌سازی شد و با توصیفی نزدیک به متن دوباره نویسی شد. برای اطمینان به یافته‌ها سعی شد با صرف وقت کافی برای جمع‌آوری داده‌ها و بررسی مکرر آنها، افزایش تعداد مصاحبه و بازخورد به مشارکت‌کنندگان، به داده‌ها اعتبار بیشتری داده شود.



نمودار ۱. الگوی نظری تحقیق

یافته‌ها

از تجزیه و تحلیل و مقایسه مداوم داده‌های پژوهش، مفاهیم اصلی براساس هریک از سؤال‌های تحقیق استخراج شد که در ادامه به تفکیک ارائه شده‌اند:

ابعاد تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی: در مجموع از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده،

ابعاد زیر به‌عنوان ابعاد تهدید نرم با رویکرد انتظامی به ترتیب اولویت استخراج شد:

الف) بُعد اجتماعی و فرهنگی: این بُعد از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین ابعاد تهدید نرم در رویکرد

انتظامی است که بر مأموریت اصلی ناجا که همان افزایش احساس امنیت عمومی است،

تأثیر‌گذاری زیادی دارد. در بعد اجتماعی، عاملان تهدید نرم به‌دنبال آن هستند تا با القای بی‌هویتی نسبت به ریشه‌های اصیل تاریخی و اسلامی جامعه ایرانی، هویت ملی افراد را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح کشور تضعیف کنند. تهدیدکنندگان با تأکید بر فرهنگ غربی سعی دارند تا دو عنصر اسلامیت و ایرانیت را به چالش کشیده و در جامعه ایجاد بحران و آشوب کنند. تهدید نرم در بُعد اجتماعی به‌دنبال بحرانی کردن پدیده‌های ساده و کاهش مشارکت مردمی و سرمایه‌های اجتماعی نظام است. همچنین به تخریب سرمایه اجتماعی پیونددهنده جامعه و حکومت (شامل مشروعیت و آگاهی سیاسی) می‌پردازند و نسبت به صحت شیوه‌های مدیریت بحران توسط حکومت تردید ایجاد می‌کنند و روحیه افراد را نسبت به آینده از بین می‌برند و آنها را ناامید می‌کنند.

برخی از شاخص‌های این تهدیدات در بُعد فرهنگی - اجتماعی عبارت‌اند از: اشاعه اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان در سطوح مختلف، اشاعه فحشا و بی‌بندوباری اخلاقی و جنسی، ارائه الگوهای غربی و منحرف به نسل جوان، سرگرم کردن مردم به کارهای لغو و بیهوده و بی‌فایده، تلاش در جهت از بین بردن فرهنگ جمعی و کشاندن افراد جامعه به سمت خودمحموری، تلاش در جهت از بین بردن کانون خانواده با فرهنگ دینی و سنتی، تقویت بی‌اعتمادی افراد جامعه نسبت به یکدیگر، تأکید بر فرهنگ قومیت و تلاش در جهت ایجاد تضاد در بین قومیتها، تلاش در جهت به تأخیر انداختن ازدواج جوانان و سخت کردن ازدواج، ناکارآمد جلوه دادن قوانین اجتماعی اسلام، بی‌بندوبار کردن و شیوع روحیه تفاخر و تکاثرطلبی در زنان.

در بُعد فرهنگی، آماج تهدید نرم بیشتر تعاریف و مفهوم‌سازیهاست. به‌عبارت دیگر مقصد اصلی تهدیدکننده، مجموعه‌ای از ذهنیتها و رفتارهاست؛ اگرچه در مورد مصادیق این ذهنیتها و رفتارها اشتراک نظر کاملی وجود نداشته باشد. ذهنیتها و رفتارهای مورد اشاره طیف وسیعی از مخاطبان را در بر می‌گیرد؛ از مردم کوچه و بازار گرفته تا نخبگان و از نیروهای پشتیبان حکومت گرفته تا رهبران در قدرت، هر یک جایگاهی خاص در بُعد فرهنگی تهدید نرم دارند. مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای یک کشور که هویت

فرهنگی آن، مؤلفه اصلی تلقی می‌شود، این امر اهمیت بیشتری خواهد داشت و هرچه این حکومت، مبانی فکری و اعتقادی و الگوهای رفتاری دیگران را به چالش بیشتری کشانده باشد، با تهدیدات بیشتری روبه‌رو خواهد بود؛ بنابراین تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می‌شود، به دنبال ایجاد انواع بحرانهای فرهنگی - سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه، سلب اراده و روحیه مقاومت، و در مجموع استحاله فرهنگی است. در این نوع تهدید تلاش می‌شود ملتی دارای آرمان به ملت بی آرمان تبدیل شود و به دست خود، الگوهای رفتاری خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد.

تهدیدات فرهنگی وسیع‌ترین، مؤثرترین، پیچیده‌ترین و شاید بتوان گفت خطرناک‌ترین نوع تهدید محسوب می‌شود. در این تهدید ذهن مخاطبان مورد هجوم و توجه سیاست‌گزاران ارکان نظام سلطه است و برای تسخیر اذهان و قلوب انسانها در جهت منافع خود اقدامات گسترده و مختلفی به اجرا می‌گذارند. تلاش نظام سلطه برای تاثیرگذاری بر افکار، ایمان، اندیشه و اعتقادات مخاطبان است. حوزه فرهنگی بسیار وسیع، گسترده، متنوع و پیچیده است. در بُعد فرهنگی مواردی مانند فرهنگ، هنرها، ارزشها و هویت، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که فقدان یا مخدوش شدن آنها زمینه‌ساز تهدیدات نرم داخلی و حتی شکل‌گیری تهدیدات سخت‌افزاری و حمله نظامی دشمنان بیگانه است؛ بنابراین هرگونه اقدامی که به تغییر در الگوهای رفتاری منطبق با ارزشهای نظام حاکم بینجامد در زمره تهدیدهای نرم آن حوزه قرار می‌گیرد. ویژگی مهم بُعد فرهنگی، فراگیر بودن و تداوم آن است. این ویژگی، تهدید فرهنگی را به تهدیدی اساسی بدل می‌سازد.

ب) بُعد سیاسی: در بُعد سیاسی، تهدیدات نرم عامل تغییرات سیاسی به‌صورت نرم و تدریجی در جامعه می‌شوند. بر این اساس، یک دسته از این تهدیدات نرم را می‌توان توطئه‌های سازمان‌یافته نامید که منظور آن تغییرات به‌دقت طراحی شده‌ای همچون کودتاست که طی آنها، عده‌ای از افراد که به قدرت سیاسی نیز دسترسی دارند، به‌طور

ناگهانی، ترتیبات قدرت حاکمیت را تغییر می‌دهند. دسته دوم آشوب‌طلبان هستند که به دنبال ایجاد ناآرامیهای اجتماعی و اغتشاشاتی هستند که سازمان‌یافتگی، رهبری و ایدئولوژی کمتری دارند. در دسته سوم حرکتهای سیاسی با تکیه بر ایدئولوژی یا آرمانهای سیاسی شکل می‌گیرد و توده‌های جامعه با کمک رهبران شکوهمند (کاریزماتیک)، حاکمیت را تغییر می‌دهند. دسته چهارم که در اصطلاح شورشگران نامیده می‌شوند هم ویژگی سازمان‌یافتگی و برنامه داشتن کودتاها را در خود دارند و هم تکیه بر آحاد جامعه و بهره‌گیری از نیروهای اجتماعی را دارند. در تمامی این دسته‌ها به‌نوعی، امنیت عمومی خدشه‌دار شده و گاهی اوقات به کلی از بین می‌رود. بُعد سیاسی تهدید نرم به دنبال بسیج اجتماعی نیروها، طراحی‌های توطئه‌آمیز، بهره‌گیری سیاسی از گروه‌های اجتماعی ناراضی، دستکاری عمدی و آشکار اذهان جمعی و افکار عمومی و ... است. بقای حکومتها و تداوم کارکردهای آنها، مستلزم همکاری مردم با نظام سیاسی است و اگر بتوان این همکاری را قطع یا مختل کرد، حکومت نیز خودبه‌خود فرو خواهد پاشید. به‌عبارتی می‌توان گفت براساس این نظریه کلیه حرکت‌هایی که با این هدف سازماندهی شوند نشان‌دهنده بُعد سیاسی تهدید نرم هستند.

پ) بُعد اقتصادی: در بُعد اقتصادی دشمن با استفاده از تحریم کالاهای مختلف، عملاً با ناتوان نشان‌دادن حکومتی که بر اقیانوسی از منابع طبیعی نشسته و قدرت تأمین کالاهای مورد نیاز خود را ندارد، تهدید نرم خود را به کار برده و به تضعیف تصور شهروندان از قدرت و کارآمدی حکومت می‌پردازد و زمینه ایجاد ناامنی و اعتراضات ضدحکومتی را پایه‌ریزی می‌کند. نمونه‌ای از این تهدیدات نرم در بُعد اقتصادی عبارت‌اند از: آشفته کردن نظام اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات، نفوذ در تهیه و تدوین قوانین اقتصادی که کاملاً به نفع نظام سلطه سرمایه داری تمام شود، تلاش در جهت وابسته کردن نظام‌های اقتصادی به نظام سلطه جهانی، تلاش در جهت القای فرهنگ دلالی و واسطه‌گری و نفی فرهنگ مولد و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و اسراف و تبذیر.

عرصه این تهدید به تأثیرگذاری بر اندیشه و افکار نخبگان در نظام اقتصادی و همچنین بر نوع مصرف و شیوه‌های تبلیغ و ترویج مصرف متمرکز است و در خصوص نحوه تولید و ابزار و آلات آن که با نگاهی کاپیتالیستی در صدد استحاله نظام اقتصاد جهانی است، معمولاً تأثیراتش در دیگر کشورها نمایان می‌شود. تلاش نظام سلطه از طریق اقتصادی در جهت تأثیرگذاری بر روند زیربنایی اقتصادی کشورها قابل ارزیابی است. بی تردید، ناتوانی دولت در تأمین نیازها و رفاه اقتصادی مردم موجب نارضایتی ملت و به تبع آن کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام می‌شود. فعالیتهایی که به صورتی فرآیندی و در بستر زمان، فرهنگ حاکم بر اقتصاد را تغییر دهد، مانند تغییر الگوهای مصرف، تولید و توزیع به گونه‌ای که مغایر با مبانی ارزشی نظام مستقر باشد، همچنین و با رسوخ نظریه‌های جدید اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم و تأکید بر مصرف‌گرایی که در تضاد با هنجارهای پذیرفته شده نظام سیاسی از قبیل قناعت، ساده‌زیستی و... است، در زمره تهدیدات نرم حوزه اقتصادی به شمار می‌رود.

سطوح تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی: در مجموع از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، سطوح تهدید نرم با رویکرد انتظامی به این شرح استخراج شد: سطح راهبردی، سطح میانی و سطح تاکتیکی. هدف از سطح راهبردی تهدید نرم، اجرای عملیات روانی راهبردی، تأثیرگذاری بر برآوردها و شناخت نخبگان و رهبران حریف (تأثیر بر شناخت) و همچنین ارباب و تأثیر بر عزم و اراده (تأثیر بر روحیه و قدرت ایستادگی) آنان است. در سطح راهبردی تهدید نرم، باورها و اعتقادات آحاد مردم تهدید می‌شود و به لحاظ ادراکی، به دنبال فرهنگ‌سازی غرب در قالب حوزه تمدنی لیبرال دموکراسی خواهیم بود.

تهدید نرم در سطح میانی می‌تواند بر میزان حمایت مردم از سیاستهای نظام و نخبگان مؤثر باشد؛ همچنین حمایت عاطفی - روانی نیروهای مسلح تحت تأثیر این سطح است، ادامه این سطح از تهدید منجر به بحرانهای پنجگانه سیاسی، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و هویت خواهد شد. وجود بحرانهای پنجگانه فوق و همچنین نبود قدرت هنجاری و الگوهای رفتاری برتر و کارآمد و با قابلیت نهادینه کردن در حوزه فرهنگ ملی می‌تواند

یک کشور را آسیب‌پذیر کند. ایجاد شکاف میان نخبگان سیاسی و فرهنگی و آحاد عمومی جامعه، تبدیل مردم از جماعتی همراه به جماعتی بی‌تفاوت، معارض و مخالف از طریق تشویق به نافرمانی مدنی و تهدید ارزشهای اساسی از دیگر اهداف این سطح از تهدید نرم است. هدف از تهدید نرم در سطح تاکتیکی، سلب اراده و روحیه مقاومت در مردم است. تهدید نمادها و الگوهای رفتاری در سه سطح مردم، نخبگان و نیروهای مسلح در سطح تاکتیکی اتفاق می‌افتد.

مؤلفه‌های تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی: در مجموع از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مؤلفه‌های تهدید نرم با رویکرد انتظامی به ترتیب شامل «هویت ملی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی، آمادگی ملی، اندیشه‌های حاکم، آداب و رسوم، سبک زندگی، نگرش به حاکمیت، منش و رفتار اجتماعی» استخراج شد. لازم به توضیح است که برخی از مصاحبه‌شوندگان درخصوص هریک از مؤلفه‌های یادشده توضیحاتی ارائه کرده بودند که به‌علت طولانی‌شدن مقاله، از درج آنها خودداری شد.

راهکارهای پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی: در مجموع از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، راهکارهای زیر برای پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم با رویکرد انتظامی استخراج شد:

- **مدیریت هوشمندانه پدیده‌های اجتماعی:** در کشورهایی مثل کشور ما که با مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست، صحنه پیچیده‌ای در مقابل مدیران پدیده‌های مختلف به‌وجود می‌آید که در عمل مسئولان را در موقعیت‌هایی دوگانه برای دست‌زدن به یک اقدام یا عدم انجام آن قرار می‌دهد، به‌طوری که در هر دو حالت ممکن است به ضرر وضعیت ایجاد شده باشد و گاهی یک پدیده ساده را به یک بحران تبدیل می‌کند. برای مثال، ممکن است وضعیت‌هایی پیش‌آید که دستگیری فردی سیاسی به‌منظور فرونشاندن ناآرامی، امری ضروری باشد؛ اما هم‌زمان، همین اقدام مشکلات دیگری را به بار آورد. در مثالی دیگر می‌توان اشاره کرد به وضعیتی که انجام اقدامات

برخورد آمیز ممکن است حمل بر مظلومیت فرد شود و این در حالی است که هم‌زمان، ممکن است نشان‌دادن مدارا نیز به‌عنوان ضعف پلیس و حکومت تلقی شود؛ نتیجه اینکه در بسیاری از موقعیتها، به‌کارگیری ترکیبی ظریف و هوشمندانه از ابزار مدیریت بحران، امری حیاتی در دستیابی به موفقیت است که حاصل آن کنترل وضعیت تهدید نرم در همان حد پدیده ساده است و نه بحران.

- **مدیریت و مرجع واحد هماهنگی:** اینکه تا کجا باید با پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و غیره به‌عنوان مدیر بحران، مدارا کرد و از چه زمانی باید دست به برخورد زد (زمان‌بندی برخورد) یا اینکه در صورت تصمیم به برخورد، با چه پدیده‌هایی باید برخورد کرد یا اینکه با کدامین پدیده‌ها باید مدارا کرد؛ لزوم بهره‌گیری از همه قدرتهای موجود در اختیار را بیان می‌کند که باید در زمان و مکان مناسب و با شدت لازم مورد استفاده قرار گیرند؛ تحقق این امر، نیازمند وجود مرجعی واحد برای ایجاد هماهنگی و مدیریتی واحد برای درک صحیح اوضاع در به‌کارگیری نوع قدرت است. همچنین با توجه به اینکه جهت‌گیری برنامه‌های کلان و راهبردی نظام باید بر مبنای سند چشم‌انداز و همسویی حداکثری با اسناد بالادستی باشد، بایسته است که متولیان امر با تبیین نقشه و وضعیت خطر تهدیدهای نرم، از اتخاذ سیاستهای جزیره‌ای، گزینشی و پراکنده اجتناب کنند.

- **رویکرد پلیسی جامعه‌محور:** این رویکرد بدان معنی است که حفظ نظم و امنیت و آرامش جامعه در هر وضعی و به‌خصوص وضعیت تهدید نرم، مستلزم متقاعد کردن مردم و به‌صحنه کارزار کشاندن آنهاست؛ به‌عبارتی در اوضاع بحرانی، حکومتی می‌تواند خود را در برابر آماج تهدید نرم حفظ کند و این حفاظت را تداوم بخشد که ریشه در باورهای جامعه داشته و از نظر شهروندان یا حداقل، از منظر بخش عمده‌ای از جامعه، مقبول به نظر برسد. بر این اساس، مقابله پایدار و نهایی با موج تهدید نرم مستلزم کسب حمایت مردمی و به‌رخ حریف کشاندن این حمایت است.

- **حفظ روحیه نیروهای انتظامی و امنیتی و تکیه بر فنون و فناوریهای نوین ضداغتشاش:** تا زمانی که نیروهای انتظامی و امنیتی با وفاداری و با تکیه بر فنون و فناوریهای نوین ضداغتشاش (و در نتیجه، کاهش تلفات و هزینه‌های انسانی و ...) با نیروهای معترض اجتماعی برخورد می‌کنند، هیچ حرکتی نمی‌تواند فقط با تکیه بر تبلیغات و سایر روشهای تهدید نرم، صفوف نیروهای انتظامی و امنیتی آماده و دارای انگیزه را بشکافد، مگر آنکه از قبل، این نیروها را دچار تردید، بی‌انگیزگی و فروپاشی کرده باشند که برای پیشگیری از این موضوع باید حفظ مستمر روحیه نیروها مدنظر قرار گیرد.

- **مدیریت پیشگیری از بحرانهای امنیت اجتماعی:** تهدیدات امنیت اجتماعی بر شاخصهای هویت ملی مانند: ارزشهای قومی، فرقه‌ای، ارزشهای سیاسی، انگاره‌های ذهنی، زبان، خرده‌فرهنگها، رسوم و سنتهای ملی متمرکز هستند.

جمهوری اسلامی ایران، چه از لحاظ مؤلفه‌های جغرافیایی (قرار گرفتن در گسل زلزله، وقوع سیل و ...)، چه از منظر جامعه‌شناختی (وجود موزائیک‌های قومی فرقه‌ای) و چه از لحاظ برنامه‌ای (وجود سیاستهای جزیره‌ای به دلیل ضعف انسجام فکری رویه‌ای میان متولیان امر) از کشورهایی است که زمینه وقوع آشوبهای اجتماعی را دارد. به همین دلیل، وجود مؤلفه‌های بحران‌زای اجتماعی یکی از حوزه‌های چالش محور امنیت ملی است که رفع آن نیازمند وجود نقشه پدافند راهبرد ملی میان ساختارهای حاکمیتی است. از طرفی، مهار تهدیدات امنیت اجتماعی یک مقوله فرابخشی است که قوانین صرف امنیتی به تنهایی برای پیشگیری از وقوع آن مؤثر نیست.

مدیریت پیشگیرانه بحرانهای امنیت اجتماعی، مستلزم ریشه‌یابی مؤلفه‌هایی است که می‌توانند ظرفیت ایجاد و گسترش نافرمانی مدنی یا وقوع آشوبهای اجتماعی در سطوح خرد و کلان را فراهم کنند و در این نوع بحرانها نقش و اثرگذاری نهادهای سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و انتظامی برجسته‌تر از سایر ساختارهای حاکمیتی است. به عبارتی، قبل از وقوع بحران، پیش‌زمینه‌ای به نام «تهدید یا خطر بالقوه» وجود دارد که در صورت شناسایی، اولویت‌سنجی

و تبیین راهبردی منسجم برای مهار هر کدام از آنها، ضریب وقوع بحرانهای اجتماعی به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد؛ زیرا فقدان تهدیدشناسی مطلوب می‌تواند وزنه آسیب‌رسانی بحرانها را سنگین‌تر کند، به‌ویژه اینکه در بیشتر مواقع میان بحرانها یک رابطهٔ زنجیره‌ای وجود دارد و گسترش و تداوم بحران‌های اجتماعی می‌تواند بستر شکل‌گیری بحرانهای اقتصادی یا سیاسی را نیز به‌وجود آورد.

صیانت از سرمایه‌های اجتماعی: صیانت از سرمایه‌های اجتماعی از منظر امنیت ملی نقش مهمی را در اقتدارافزایی و مهار حداکثری تهدیدات نرم ایفا می‌کند. به‌همین منظور در بند «ح» از فصل دهم قانون برنامهٔ چهارم توسعه نیز بر لزوم حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی گروه‌های مختلف مردم و پیشگیری از بحرانهای منزلتی تأکید شده است.

سرمایه اجتماعی مانند سایر سرمایه‌ها قابل ذخیره‌سازی بوده و در وضعیت وقوع بحران، اندوختهٔ مناسبی برای پیشگیری یا تضعیف آسیبهای ناشی از بحرانهای اجتماعی است. از طرفی، رسانه‌های همگانی با روند اقناع‌سازی و همراه‌سازی جامعه با سیاستهای انتظام بخشی خرد و کلان کشور ارتباط مستقیم دارند و می‌توانند بستر اعتماد متقابل میان شبکه‌های اجتماعی با ساختارهای حاکمیتی را به‌وجود آورند.

بازبینی در ساختار انتظامی کشور: به‌کارگیری نیروهای غیرمتخصص برای مهار تنشها می‌تواند به گسترش شورش و ناآرامی منجر شود، که خود مستلزم بازبینی در مدیریت منابع انسانی ساختارهای انتظامی امنیتی کشور است. از طرفی، ایجاد و تقویت گشتهای اینترنتی و توسعهٔ پلیس چابک، بخشی از تدابیر پیش‌رویدادی ناجا برای پیشگیری از تهدیدات نرم در حوزهٔ اجتماعی است، به‌ویژه اینکه در بند سوم از فصل دهم قانون برنامهٔ چهارم توسعه نیز بر لزوم بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخگو در دفاع ملی تأکید شده است.

بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت اطلاعات مردمی: یکی از تدابیر مؤثر برای پیشگیری از وقوع شورشهای اجتماعی، تعریف سازکارهای مناسب برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت اطلاعات مردمی در روند مدیریت اطلاعاتی است که در اصول ابلاغی برنامه پنجم نیز

مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته است. به عبارتی، مقابله با پیاده نظامهای تهدید نرم با بهره‌گیری صرف از ساختارهای حاکمیتی میسر نیست، بلکه باید از ظرفیتهای مدنی نیز بهره‌گرفته شود، که تقویت این روند نقش مؤثری را نیز در مهار و کنترل تهدیدات نرم ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث ارائه‌شده در این تحقیق، چنین به نظر می‌رسد که تهدید نرم از جمله چالش‌هایی است که موجب تغییر در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول آحاد یک جامعه می‌شود. تهدید نرم با تسلط کامل بر ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ و با جایگزین کردن الگوهای نظام تهدیدکننده به جای الگوهای رفتاری موجود جامعه در آن حوزه‌ها، به اهداف خود دست پیدا می‌کند. با این نگرش اقدامات تهدید نرم موجب می‌شود تا اهداف و ارزشهای حیاتی یک جامعه (بسترها و منابع فکری، باورها و هنجارهای رفتاری در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر بیفتند، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شوند.

تهدید نرم دارای ابعاد متعددی است که در رویکرد انتظامی، ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از اولویت و اهمیت بیشتری برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ناجا برخوردار است. در میان این ابعاد نیز، بُعد اجتماعی به دلیل جنس اقدامات انتظامی و پلیس، نسبت به سایر ابعاد، ارتباط بیشتری با متولیان حوزه امنیت عمومی دارد و نیازمند تأمل بیشتری است. آمادگی پلیس برای پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم حوزه اجتماعی، نیازمند پیش‌بینی و شناسایی شرایط وقوع این تهدیدات، ایجاد فضای مشترک ذهنی بین متصدیان در سایر نهادها و اعلام هشدار به آنها و در نتیجه تلاش برای ایجاد هماهنگی به منظور اقدام مؤثر است. در موضوع پیش‌بینی و شناسایی شرایط وقوع تهدیدات نرم، رصد واقعی وضعیت جرائم کشور و اعلام به موقع روندهای رشد جرائم خاص و وضعیت گسترش آن به نهادهای ذی‌ربط از عوامل دخیل در بروز و شدت یافتن تهدیدات نرم اجتماعی است که نیروی انتظامی در این حیطة، به‌خوبی

می‌تواند ایفای نقش کند.

در موضوع سطوح تهدید نرم با رویکرد انتظامی، سطوح راهبردی، میانی و تاکتیکی به دست آمد. سطح تاکتیکی به لحاظ نوع و حوزه تهدیدات، نسبت به سایر سطوح از تأثیرگذاری بیشتری در حوزه امنیت عمومی برخوردار است و مؤلفه‌های استخراج شده از این سطح قرابت زیادی با مؤلفه‌های حوزه امنیت عمومی دارد. بنابراین حفظ و کاهش آسیب نسبت به مؤلفه‌های سطح تاکتیکی تهدید نرم منجر به افزایش امنیت عمومی خواهد شد.

در موضوع راهکارهای مقابله با تهدیدات نرم، مدیریت هوشمندانه پدیده‌های اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته که در بسیاری از موقعیتها، به کارگیری ترکیبی ظریف و هوشمندانه از ابزار مدیریت بحران، امری حیاتی در دستیابی به موفقیت است که حاصل آن کنترل شرایط تهدید نرم در همان حد پدیده ساده است و نه بحران. همچنین مدیریت واحد و مرجع واحد هماهنگی منجر به پرهیز از اتخاذ سیاستهای جزیره‌ای، گزینشی و پراکنده معرفی شده است. رویکرد پلیسی جامعه‌محور، به عنوان رویکرد پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم معرفی شده است که بر این اساس، مقابله پایدار و نهایی با موج تهدید نرم مستلزم کسب حمایت مردمی و به رخ حریف کشاندن این حمایت است. حفظ روحیه نیروهای انتظامی و امنیتی و تکیه بر فنون و فناوریهای نوین ضداغتشاش از دیگر راهکارهای پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم مورد اشاره، است.

با توجه به اینکه وجود مؤلفه‌های بحران زای اجتماعی یکی از حوزه‌های چالش محور امنیت ملی است، رفع آن نیازمند وجود نقشه پدافند راهبردی ملی میان ساختارهای حاکمیتی است. از طرفی، مهار تهدیدات امنیت اجتماعی یک مقوله فرابخشی است که قوانین صرف امنیتی به تنهایی برای پیشگیری از وقوع آن مؤثر نیست؛ بنابراین مدیریت پیشگیری از بحرانهای امنیت اجتماعی یکی از راهکارهای مؤثر در این حوزه است. صیانت از سرمایه‌های اجتماعی، بازمینی در ساختار انتظامی کشور و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت

اطلاعات مردمی، از دیگر راهکارهای پیشگیری و مقابله با تهدیدات نرم مورد اشاره، است.

پیشنهادها

هدف‌گذاری برنامه‌های حوزه اجتماعی ناجا بر رشد عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح کشور، موجب تقویت هویت ملی افراد می‌شود و چالش‌های تهدید نرم ناشی از بی‌هویتی و گرایش به فرهنگی غربی را به شدت کاهش داده و احساس امنیت عمومی را افزایش می‌دهد. همچنین ارائه آموزش‌های مستمر، بصیرت‌افزایی و تقویت مهارت تخصصی کارکنان انتظامی، توان مدیریت آنها را برای پیشگیری از بحرانی کردن پدیده‌های ساده افزایش می‌دهد.

برنامه‌های انتظامی باید به گونه‌ای طراحی شوند که از طریق ایجاد پیوند میان منافع مردم و جامعه، جلب مشارکت حداکثری را به دنبال داشته باشند و منجر به حفظ سرمایه‌های اجتماعی جامعه شوند. پیشگیری و مقابله حداکثری نهادهای کشور با اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان، فحشا و بی‌بندوباری اخلاقی و جنسی از طریق ارائه الگوهای ناب اسلامی و دینی به جای الگوهای غربی و منحرف به نسل جوان، فراهم کردن ساز کار تفریح و سرگرمی سالم و مفید به جای اعتیاد افراد به کارهای لغو و بیهوده و بی‌فایده، تقویت روحیه و فرهنگ کار جمعی به جای کشاندن افراد به سمت خودمحوری، تقویت کانون خانواده با فرهنگی دینی و سنتی به جای ترویج فرهنگ خانواده غربی، افزایش روحیه اعتماد نسبت به یکدیگر به جای جو بی‌اعتمادی، تقویت فرهنگ قومیتها و پیشگیری از ایجاد تضاد در بین قومیتها، تسهیل و تسریع ازدواج جوانان و ... منجر به کاهش آماج‌های تهدید نرم می‌شوند.

رصد مستمر فضای سیاسی کشور و تفکیک توطئه‌های سازمان‌یافته از آشوب‌طلبان، آرمان‌خواهان و شورشگران، زمینه اتخاذ سیاست پیشگیری و مقابله متناسب را فراهم می‌کند و زمینه بحرانی شدن هریک از تهدیدهای سیاسی نرم را به حداقل ممکن می‌رساند. مؤلفه‌های تهدید نرم با رویکرد انتظامی به ترتیب شامل «هویت ملی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی، آمادگی ملی، اندیشه‌های حاکم، آداب و رسوم، سبک

زندگی، نگرش به حاکمیت، منش و رفتار اجتماعی»، به دست آمدند که برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود نقش هریک از این مؤلفه‌ها به صورت مستقل مطالعه شود.

منابع

- ۱- افتخاری، اصغر و قدیر نصری (۱۳۸۳) روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) تهدید نرم: رویکردی اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۳- جمالزاده، ناصر و محمدجواد هراتی (۱۳۹۲) «قدرت نرم انقلاب اسلامی در مقابل تهدید نرم». *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۲۳، سال ۶، صص ۱۹-۳۸.
- ۴- جهان‌بین، فرزاد و اعظم امامی (۱۳۹۳) «سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم». *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، شماره ۱۰، سال ۳، صص ۴۹-۷۳.
- ۵- حسن بیگی، ابراهیم و حسین عساریان نژاد (۱۳۸۸) *تهدید نرم و راهبردهای مقابله*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۶- حسینی، حسین (۱۳۸۹) «جنگ نرم: از تهدید تا پاسخ». *فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی*، سال هفتم، شماره ۲۶، سال ۵، صص ۳۳-۶۲.
- ۷- ذوالفقاری، حسین و حسین عساریان نژاد (۱۳۸۹) «رویکرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم». *مطالعات دفاع استراتژیک*، شماره ۳۹، سال ۱۰، صص ۱۴۱-۱۷۴.
- ۸- عامری، داود (۱۳۹۰) «درآمدی بر مؤلفه‌های اساسی جنگ نرم». *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۶، سال ۴، صص ۳۳-۵۴.
- ۹- عزتی، مرتضی؛ اله‌مراد سیف، و علی یوسفی نژاد (۱۳۹۱) «نهادینه‌سازی الگوی مصرف بهینه در جهت رویارویی با تهدید نرم اقتصادی علیه نظام اسلامی». *مجله مدیریت اسلامی*، شماره ۴، سال ۱، صص ۷۵-۱۱۲.
- ۱۰- کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷) *جنگ نرم، بررسی توطئه شیاطین علیه امت اسلامی*. چاپ اول، قم: انتشارات نور قرآن و اهل بیت علیهم السلام.
- ۱۱- کرمی، رضا و ناصر شهلائی (۱۳۹۱) «راهبردهای مقابله با تهدید نرم دشمن در حوزه

- اجتماعی و فرهنگی». فصلنامه امنیت پژوهی، شماره ۳۸، سال ۱۱، صص ۶۱-۹۵.
- ۱۲- گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۶) «راهبرد مقابله با تهدیدات نرم آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۸، سال ۲۲، صص ۲۰۳-۲۱۹.
- ۱۳- نائینی، علی محمد (۱۳۸۸) «ابعاد تهدید نرم در استراتژی امنیت ملی امریکا». فصلنامه عملیات روانی، شماره ۲۱، سال ۶، صص ۲۵-۵۰.
- ۱۴- نائینی، علی محمد (۱۳۸۸) «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدات نرم غرب». فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۵، سال ۷، صص ۳۷-۵۳.
- ۱۵- هندیانی، عبدالله؛ عبدالرحمن میرزاخانی و حامد مرادی (۱۳۹۳) «نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آثار تهدیدهای نرم (با نگاهی به فرماندهی و مدیریت آینده پلیس)». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ویژه‌نامه ۱۳۹۳، شماره ۱، سال ۹، صص ۲۹-۵۰.

16. Joseph S. Nye. (2004) *Soft Power: the Means to Success in World Poliics*, New York: Public Affairs.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی